



## مطالعه ی تطبیقی نفقه در حقوق ایران و ترکیه

علی نصرتی بیگ زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد، واحد ایلخچی

### چکیده

این مقاله به مطالعه تطبیقی نفقه در حقوق ایران و ترکیه می پردازد و تفاوت ها و شباهت های موجود در تعریف و اجرای نفقه در هر دو کشور را بررسی می کند. در حقوق ایران، نفقه بر اساس اصول فقهی و شرعی تعیین می شود، در حالی که در ترکیه، تأثیرات حقوق مدرن و سکولار بر نفقه مشهود است. با وجود این تفاوت ها، هر دو کشور به دنبال ارائه حمایت قانونی برای زنان از طریق نفقه هستند. مقاله همچنین به چالش های اجرایی نفقه و تأثیر آن بر جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان می پردازد و پیشنهاداتی برای اصلاحات قانونی ارائه می دهد که می تواند به تقویت حمایت های قانونی از زنان و پیشرفت حقوقی و اجتماعی در هر دو کشور منجر شود. این مطالعه تطبیقی تأکید می کند که توجه به تجربیات بین المللی و انطباق با استانداردهای جهانی می تواند به ایجاد یک سیستم حمایتی مؤثرتر برای زنان کمک کند.

واژگان کلیدی: مطالعه تطبیقی، ایران و ترکیه، نفقه، حقوق مدنی



## مقدمه

نشوز خانواده به عنوان کوچکترین نهاد اجتماعی نقش مؤثری را در بهبود و تعالی جامعه برعهده دارد و با تنظیم درست روابط خانوادگی، کلیت جامعه می‌تواند در امنیت و آسایش به اهداف مطلوب خویش دست یابد. از این رو در نظام حقوقی اسلام که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منبعث از آن می‌باشد توجه خاصی به این رکن سازنده اجتماع مبذول گردیده است. در این راستا اصل بیست و یکم قانون اساسی ایجاد محاکم صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده و حمایت از زنان و مادران را مورد تأکید قرار داده است. با این وجود آمار ارائه شده بیانگر موارد فراوان متلاشی شدن خانواده‌ها و از هم گسیختگی روابط بین اعضاء آن می‌باشد که این امر به عنوان یکی از مهمترین معضلات جامعه به شمار می‌رود و پیامدهای ناگوار فراوانی را در پی دارد. به نظر نگارنده مشکلات اقتصادی و مالی اعضاء خانواده یکی از مهمترین عوامل تهدیدکننده دوام خانواده‌ها می‌باشد. از همین رو قانونگذار با مکلف نمودن اشخاص به تأمین نفقه همسر و خویشاوندان خود؛ متخلفین را تحت عنوان ارتکاب بزه ترک انفاق مستوجب تعقیب کیفری قلمداد نموده است، در حقوق کیفری ایران ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی به این موضوع پرداخته است و شخص دارای تمکن مالی را در صورت امتناع از تأدیه نفقه زوجه خود - که از وی تمکین می‌نماید - یا والدین و اولاد بی بضاعت خود درخور مجازات دانسته است. (اکرمی سراب، ۱۳۸۸)

در نظام های حقوقی مصر و استرالیا نیز خودداری شخص متمکن از نفقه موضوع حکم قضایی مستلزم کیفر دانسته شده است گرچه در میان این نظام های کیفری مورد بحث، در مورد اوصاف جزایی عمل مذکور تفاوتی به چشم می‌خورد. به نظر اینجانب صرف جرم انگاری ترک نفقه نمی‌تواند موجب دستیابی به اهداف موردنظر گردد، بلکه ضروری است پس از فرهنگ سازی موضوع انفاق در جامعه، ابتدا متخلفین طبق دستور قضایی به پرداخت نفقه الزام گردیده و در صورت اصرار بر استمرار تخلف خود به مجازات برسند، و مجازات تارک نفقه زوجه به نحویکه در ماده ۶۴۲ قانون سابق الذکر آمده است منوط به تمکین بزه دیده نگردد بلکه بجای آن شرط عدم نشوز جایگزین گردد. (اکرمی سراب، ۱۳۸۸)

یکی از وظایف زوج پس از ازدواج و برقراری رابطه زوجیت، پرداخت نفقه می‌باشد که از حقوق مالی زن محسوب می‌شود. «همین که نکاح بطور صحیح واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود». (مفاد ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی)

## دیدگاه قانون

نفقه یعنی تأمین هزینه زندگی زن که باید توسط شوهر پس از عقد ازدواج پرداخت گردد بر همین اساس ماده ۱۱۰۷ اصلاحی ۱۳۸۱ قانون مدنی می‌گوید: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه (لباس‌ها)، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض» قبلاً ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نفقه را محدود به مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت و خادم می‌دانست و نیازهای دارویی و بهداشتی آرایشی را مورد لحاظ قرار نداده بود و همین امر باعث انتقادهای نسبت به این ماده شده بود. تا اینکه پس از اصلاح این ماده، نفقه زن شامل هر نیازی می‌شود که برای زندگی متعارف نیاز است؛ بنابراین در صورتی که زن مریض شود حتی اگر هزینه‌های زیادی بخواهد، شوهر مکلف به پرداخت آن است. (کاتوزیان، ۱۳۷۹)

## دیدگاه فقها



در فقه امامیه، نظر مشهور به استناد آیه: «عاشروهن بالمعروف؛ با زنان به نکوئی رفتار کنید.» رعایت وضعیت و شرایط زن را به نشانه (معروف)، ملاک تعیین نفقه قرار داده‌اند. بنابراین دیدگاه، توانایی مرد برای پرداخت نفقه مورد لحاظ نیست بلکه وضعیت و شرایط زن ملاک تعیین مقدار نفقه می‌باشد و بدین منظور جهت تعیین وضعیت و محتوای نفقه رجوع به عرف را لازم می‌دانند. در صورت اختلاف در مقدار نفقه، محاسبه میزان آن بر مبنای شئونات خانوادگی زن و عرف و عادت ساکنان هر منطقه و وضع مالی مرد، بر عهده دادگاه خانواده خواهد بود. (کاتوزیان، 1379)

#### -نشوز و استحقاق نفقه

چون فلسفه تعیین نفقه برای زن، استحکام خانواده و حمایت از زندگی مشترک می‌باشد، زن در صورتی مستحق نفقه خواهد بود که بدون دلیل از وظایف زناشویی امتناع نکند؛ در حقیقت حکم ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی: (در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است)، مقید است به ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی: (هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود). در اصطلاح حقوقی و فقهی به زنی که از وظایف زناشویی امتناع کند ناشزه گفته می‌شود و ناشزه نفقه ندارد.

#### شرایط پرداخت

۱. عقد دائم: نفقه برای عقد ازدواج دائم می‌باشد و در عقد موقت زن مستحق نفقه نمی‌باشد.
۲. عدم نشوز زن: همین که زن حاضر به ایفای وظایف زناشویی باشد، مستحق نفقه خواهد بود و در صورت امتناع از وظایفی که قانوناً بر عهده اوست، مستحق نفقه نخواهد بود.

#### ضمانت اجرا

برای دریافت نفقه، توافق طرفین مقدم بر هر چیزی است و اصولاً در روابط خانوادگی اخلاق و توافق مقدم بر مسائل قضایی است، ولی در صورت خودداری شوهر از پرداخت نفقه، زن می‌تواند به دو صورت حقوقی و کیفری نسبت به حق خویش اقدام نماید.

#### -کیفری

شکایت کیفری به دادسرا به اتهام ترک انفاق که پس از بررسی و اثبات آن، دادگاه مردی را که با داشتن استطاعت از پرداخت نفقه خودداری می‌کند طبق ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌کند. البته در این روش مجازات شوهر، برای عدم پرداخت نفقه است و نمی‌توان از او نفقه را دریافت کرد و برای مطالبه نفقه که امر حقوقی است باید به دادگاه حقوقی مراجعه کرد. (کاتوزیان، 1379)

#### -حقوقی

زن با ارائه دادخواست مطالبه نفقه به دادگاه خانواده، شوهر را ملزم به پرداخت نفقه می‌کنند. در صورت عدم اعسار (توانایی مالی) زوج و توانایی بر پرداخت نفقه، زوج ملزم به پرداخت می‌شود. نفقه زوجه نه تنها شامل ایام جاری زندگی می‌شود، بلکه نفقه ایام گذشته نیز از



طریق ارائه دادخواست حقوقی به دادگاه خانواده قابل مطالبه است و در صورت محکومیت مرد، مشمول قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی می‌شود.. (کاتوزیان، 1379)

## سوالات و اهداف پژوهش

### سوالات تحقیق:

1. نفقه در حقوق ایران و ترکیه چگونه تعریف می‌شود و چه تفاوت‌های اساسی بین دو نظام حقوقی وجود دارد؟
2. چه شرایطی برای الزام به پرداخت نفقه در حقوق ایران و ترکیه مورد نیاز است و چگونه این شرایط در عمل اجرا می‌شوند؟
3. چه تأثیری قوانین نفقه در حقوق ایران و ترکیه بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان دارد؟
4. چگونه می‌توان نفقه را در حقوق ایران و ترکیه اصلاح کرد تا به نحو مؤثرتری به حمایت از حقوق زنان کمک کند؟

### اهداف تحقیق:

- تحلیل و مقایسه تعاریف و مفاهیم نفقه در حقوق ایران و ترکیه.
- بررسی تطبیقی شرایط و مکانیزم‌های اجرایی نفقه در دو کشور.
- ارزیابی تأثیر قوانین نفقه بر جایگاه زنان در جامعه و اقتصاد در ایران و ترکیه.
- پیشنهاد راهکارهایی برای بهبود قوانین نفقه به منظور تقویت حمایت‌های قانونی از زنان.

## ترک انفاق زوجه

به موجب ماده 1107 قانون مدنی، نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب باوضع زن که برای دانستن کمیت و کیفیت آن وضع زوجه در نظر گرفته می‌شود. (محقق حلی، 1373، ص 291؛ شهید ثانی، 1365، ص 142) در استحقاق زوجه نسبت به نفقه، فقیر بودن و احتیاج او شرط نیست و در هر حال نفقه زوجه بر مرد واجب است، گرچه زن از ثروتمندترین مردم باشد. (موسوی خمینی، بی‌تا، ج 2، ص 285)

با توجه به اطلاق کلمه نفقه در ماده، که شامل تمامی نیازهای متعارف و متناسب با شخصیت زوجه است، نپرداختن قسمتی از نفقه زوجه نیز جرم و مشمول ماده است. مدت امتناع از تأدیه نفقه نیز مهم نیست و ترک انفاق ولو به مقدار یک روز مشمول ماده خواهد بود. در مورد مطالبه نفقه در گذشته، اداره حقوقی قوه قضاییه در یک نظریه مشورتی، جنبه جزایی این جرم را موکول به پرداخت نکردن نفقه حال کرده و مطالبه نفقه ایام گذشته (ولو روز گذشته) را فاقد جنب کیفری دانسته است. (معاونت حقوقی و توسعه قضایی، 1386، ج 1، ص 441) این نظر قابل ایراد است؛ زیرا با عدم پرداخت نفقه، جرم محقق شده و اسقاط مجازات فقط با یکی از موارد قانونی سقوط مجازات‌ها

امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، رکن مادی ماده 642 قانون مجازات اسلامی، ترک انفاق زوجه است و مشروط کردن تحقق جرم به حال بودن نفقه، فاقد توجیه قانونی است. (محقق، 1373)

برخی حقوقدانان با استناد به افعال «ندهد» و «امتناع نماید» در ماده، تحقق جرم را منوط به مطالبه نفقه حال دانسته‌اند. (زراعت، 1377، ص 365) این نظر نیز قابل پذیرش نیست؛ زیرا قانونگذار از لحاظ دستوری از چنین افعالی برای قانون نویسی استفاده می‌کند و نگاهی به مواد دیگر قانون، صحت چنین مطلبی را نشان می‌دهد.

در غیر این صورت، شرط حال بودن موضوع جرم را باید در مواد دیگر قانون نیز جاری بدانیم که ضعف این مطلب واضح است. مضافاً بر آن که در هر حال مردی که نفقه زن خود را نپرداخته، در زمان عدم پرداخت (هرچند گذشته) مشمول عنوان مجرمانه بوده و در آن حالت، جرم تا تمام ارکان آن محقق شده و عدم شکایت بعدی از آن، ولو به مدتی طولانی، مگر به علت شمول مرور زمان در صورت پذیرفتن آن در جرایم تعزیری، موجب اسقاط مجازات نخواهد شد، مگر آن که با توجه به قابل گذشت بودن این جرم، گذشت زوجه به نحوی از انحاء احراز شود. (محقق، 1373)

شرط دیگر برای شمول ماده آن است که زن شرعاً همسر مرد به حساب آید. کلمه «زن» با توجه به ظهور ماده و لزوم تفسیر مضیق قوانین جزایی، ناظر به زوجه دائمی است و ترک انفاق زوجه موقت در صورت شرط شدن انفاق در ضمن عقد، مشمول ماده نخواهد بود. فقها نیز وجوب انفاق به زن را منوط به دائمی بودن ازدواج دانسته‌اند. (محقق حلی، پیشین، ص 291)

برخی حقوقدانان‌ها به استناد ماده 1109 قانون مدنی که نفقه معتده رجعیه در زمان عده و نیز در صورت حمل از شوهر تا زمان حمل را برعهده زوج می‌داند، ترک انفاق در این حالت را نیز جرم به شماره آورده‌اند. (زراعت، پیشین، ص 264)، اما به نظر می‌رسد چنین عملی جرم نبوده و اطلاق عنوان زن بر معتده رجعیه، تفسیر موسع قانون است که در امور جزایی و به ضرر متهم، قابل قبول نیست. (محقق، 1373)

برای شمول ماده، نکاح باید به طور صحیح منعقد شود و نکاح فاسد به علت فقدان قصد، وجود مانع یا به هر علت دیگر، موجبی برای وجوب نفقه نخواهد بود و ترک آن جرم نیست در این مورد ثبت نکاح شرط نیست و وجود نکاح صحیح شرعی برای شمول ماده کافی است.

در صورت اثبات بطلان نکاح، اثر حقوقی بر آن مترتب نخواهد بود. در این زمینه این سؤال پیش می‌آید که آیا ترک انفاق در نکاح غیر نافذ، موجب تحقق جرم است؟ به نظر نگارنده این مورد نیز از شمول ماده خارج است؛ زیرا به موجب ماده 1102 قانون مدنی، وقوع نکاح به صورت صحیح، شرط نفقه دادن است که سبب وجود رابطه زوجیت بین طرفین می‌شود و نکاح غیرنافذ نمی‌تواند چنین رابطه‌ای را ایجاد کند. در صورت پذیرفتن این استدلال باید گفت پس در نکاحی هم که به صورت اکراهی یا به طور فضولی واقع شده است، زوج می‌تواند الزام زوجه را به تمکین از دادگاه بخواهد. البته با توجه به قابل گذشت بودن این جرم و لزوم شکایت شاکی خصوصی برای تعقیب آن، شکایت زوجه از زوج برای ترک انفاق می‌تواند نوعی تنفیذ نکاح به حساب آید و بعد از این تنفیذ در صورت نپرداختن نفقه از جانب زوج، جرم ترک انفاق محقق خواهد شد. (محقق، 1373)

شرایط تحقق جرم – شرایط تحقق جرم ترک انفاق نسبت به زوجه بدین شرح است:



## استطاعت مالی مرد

استطاعت مالی مرد، از شروط وجوب نفقه زوجه نیست، اما از شروط تحقق جرم موضوع ماده است. به عبارت دیگر، مجازات تعزیری ترک انفاق، فقط برکسی اعمال می شود که با وجود استطاعت مالی از تأدیه نفقه زن خود خود امتناع کند. تشخیص استطاعت مالی مرد با دادگاه است که باید وجود این استطاعت را در زمان ترک انفاق احراز کند. همچنین به نظر می رسد درحالی که زوج فقط استطاعت پرداخت قسمتی از نفقه زوجه را داشته است و از تأدیه همان قسمت امتناع کند، مشمول ماده 642 خواهد بود. (موسوی، بی تا)

## تمکین زوجه

فقههای امامیه، شرط دیگر وجود نفقه را تمکین کامل دانسته اند (محقق حلی، پیشین، ص 291؛ علامه حلی، 1410 هـ ق، ص 547) برای این امر ادعای اجماع نیز شده است. (نجفی، 1372، ص 203) در صورتی که زن فقط در بعضی زمان ها و مکان ها تمکین کند، تمکین کامل برای نفقه حاصل نشده است. (محقق حلی، پیشین، ص 291) قانونگذار نیز یکی از شرایط تحقق جرم ماده 642 را تمکین زوجه دانسته است. اطلاق کلمه تمکین، شامل تمکین عام و خاص بوده و عدم تحقق هر یک موجب عدم تحقق جرم خواهد شد. در فقه در صورتی که عدم تمکین به علت عذر شرعی مانند مرض یا انجام فعل واجب یا مسافرت با اذن شوهر و امثال آن باشد، کماکان مرد را ملزم به انفاق دانسته و این عدم تمکین را موجب سقوط نفقه ندانسته اند. (علامه حلی، پیشین، ص 547؛ موسوی خمینی، پیشین، ص 208)

حال این سؤال پیش می آید که آیا در حالات فوق و در صورت پرداخت نکردن نفقه از جانب زوج، جرم ترک انفاق محقق می شود؟ به نظر می رسد با توجه به صراحت ماده در مورد مشروط بودن تحقق جرم به تمکین زوجه، در حالت های فوق جرم ترک انفاق محقق نشده است وزن فقط می تواند با تقدیم دادخواست، نفقه خود را مطالبه کند؛ زیرا عدم سقوط نفقه، مستلزم تحقق جرم ترک انفاق نخواهد بود. خصوصاً زمانی که ماده 642 از وجود تمکین برای تحقق جرم سخن گفته است و تمکین نکردن، ولو به بهانه عذر مشروع، موجب عدم تحقق شرط مذکور خواهد بود. جرم دانستن ترک انفاق در موارد فوق، توسعه مصادیق تحت شمول ماده، بدون وجود نص قانونی برای آنهاست که صحیح نخواهد بود. (زراعت، 1377)

هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز در رأی وحدت رویه شماره 672 مورخ 28 اردیبهشت 87 مقررات عدم سقوط نفقه به علت استفاده زوجه از حق حبس مذکور در قانونی مدنی را صرفاً مربوط به رابطه حقوقی زوجه دانسته و زوج را در صورت ترک انفاق در این مورد، مشمول مجازات مندرج در ماده 642 قانون مجازات اسلامی به شماره آورده است. در قسمتی از این رأی چنین آمده است: «و از نقطه نظر جزایی با لحاظ مدلول ماده 642 که به موجب آن، حکم به مجازات شوهر به علت امتناع از تأدیه نفقه زن، به تمکین زن منوط شده است و با وصف امتناع زوجه از تمکین، ولو به اعتذار استفاده از اختیار حاصله از مقررات ماده 1085 قانون مدنی، حکم به مجازات شوهر نخواهد شد». (زراعت، 1377)

نکته بعد در مورد نفقه صغیره است. با توجه به مشروط بودن نفقه به تمکین، فقها صغیره را مستحق نفقه ندانسته اند. (شهید ثانی، پیشین، ص 142؛ محقق حلی، پیشین، ص 292) که با توجه به عدم تمکین و عدم وجوب نفقه، در این مورد نیز جرم ترک انفاق محقق نخواهد شد. در صورت صغیر بودن زوج و کبیر بودن زوجه، به نظر برخی فقها، نفقه بر زوج واجب خواهد بود. (شهید ثانی، پیشین، ص 142) در





این حالت با توجه به صغیر بودن زوج و نبود مسئولیت کیفری او، اعمال مجازات منتفی است و فقط در صورت بلوغ زوج و ادامه پرداخت نکردن نفقه، با توجه به استمرار بودن جرم ترک انفاق، امکان مجازات زوج وجود دارد. (زراعت، 1377)

### ترک انفاق افراد واجب النفقه غیر از زن

قسمت دوم ماده 642 قانون مجازات اسلامی، امتناع از تأدیه افراد واجب النفقه غیر از زن را جرم‌انگاری کرده و برای آن مجازات سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس پیش‌بینی کرده است. کلمه «هرکس» در صد ماده، در قسمت اول ماده 642 ناظر به شوهر و در قسمت دوم ماده ناظر به هر شخص اعم از مذکر یا مؤنث است که نفقه افراد واجب النفقه خود را نپردازد. قانونگذار ایران به تبعیت از متون فقهی که حکم انفاق به اقارب را از اجتماعات مسلمانان دانسته و حکم مزبور را به نصوص متواتر نسبت داده است، (نجفی، پیشین، ص 266؛ محقق حلی، پیشین، ص 296) در ماده 1196 قانون مدنی مقرر داشته است: «در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمومی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به انفاق به یکدیگرند.» با توجه به این ماده باید گفت در صورتی که یکی از اقربای نسبی در خط عمودی، نفقه اقربای دیگر آن خط را چه صعودی و چه نزولی ندهد، طبق ماده 642 قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب و مجازات است. (زراعت، 1377)

در نتیجه اولاد در صورت امتناع از پرداخت نفقه پدر و مادر و اجداد پدری و مادری و جدات پدری و مادری و همچنین پدر و مادر و اجداد و جدات پدری و مادری در صورت عدم تأدیه نفقه اولاد، تحت شمول ماده 642 است و قابل مجازات هستند و در نتیجه نفقه ندادن به اقربای در خط افقی مانند خواهر و برادر و یا اقربای سببی مانند مادر زن و زن پسر و امثال آنها، واجب نیست و جرم نخواهد بود.

همچنین مشروع یا غیر مشروع بودن ولادت طفل، ملک نیست و طبیعی بودن رابطه خویشاوندی برای انفاق، به موجب رأی وحدت رویه شماره 617 - 3/خرداد/1376 کفایت می‌کند. در قسمتی از این رأی آمده است: «پدر عرفی طفل تلقی و در نتیجه همه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی است و حسب ماده 884 قانون مدنی صرفاً موضوع توارث بین آنها منتفی است.» اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریات متعدد خود بر این امر تأکید کرده است. (نجفی، 1372)

### شروط تحقق جرم ترک انفاق افراد واجب النفقه

فقر منفق علیه - یکی از شرایط وجوب انفاق به اقارب، فقر و عدم قدرت بر اکتساب روزی است. (علامه حلی، پیشین، ص 547؛ شهید ثانی، پیشین، ص 144) ماده 1197 قانون مدنی مقرر کرده است: «کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند به وسیله اشتغال به شغلی وسایل معیش خود را فراهم نماید.» محقق حلی در توجیه این مطلب، کسی را که قادر به کسب درآمد باشد، مانند فردی غنی دانسته است. (محقق حلی، پیشین، ص 296) فقها همچنین وجوب نفقه بر اقارب را مشروط به اسلام منفق علیه دانسته‌اند و نفقه بر آنها هرچند کافر یا فاسق باشند را واجب دانسته‌اند. (نجفی، پیشین، ص 372) که با توجه به اطلاق کلمه «اشخاص واجب النفقه» در ماده 642، ترک انفاق چنین خویشاوندانی نیز جرم و مشمول ماده است. (نجفی، 1372)

### قدرت منفق

یکی دیگر از شرایط وجوب انفاق به اقارب، قدرت انفاق کننده است که عدم وجود آن علاوه بر عدم تحقق جرم ماده 642، از لحاظ مطالبه نفقه نیز حقی برای اقارب ایجاد نخواهد کرد. در این مورد ماده 1198 قانون مدنی در صورتی نفقه را واجب دانسته است که شخص متمکن



از دادن نفقه باشد، بدون این که از این حیث در وضع معیش خود دچار مضیقه شود. این شرط برگرفته از متون فقهی است که بعد از نفقه به خود و سپس به زوجه و در صورت اضافه آمدن، نفقه اقارب را واجب می‌دانند. (همان، ص 374) نفقه اقارب به استناد ماده 1204 قانون مدنی شامل مسکن، لباس و وسایل خانه به قدر رفع حاجت و با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق است. (نجفی، 1372)

## رکن روانی

جرم ترک انفاق، از جرایم مادی صرف است و نیازی به احراز رکن روانی برای تحقق جرم نیست. از این رو به صرف این که شخص نفقه اشخاص واجب النفقه خود را به هر علت ترک کند، جرم محقق خواهد شد. البته ترک انفاق باید نتیجه خواست فرد باشد، ولاً در صورتی که به عللی که خارج از اراده اوست، نتواند اقدام به انفاق کند، جرم محقق نخواهد شد. (نجفی، 1372)

## تعدد جرم ترک انفاق

معمولاً ترک انفاق زن و اولاً به صورت همزمان واقع می‌شود. لذا این سؤال پیش می‌آید که آیا عمل زوج از باب تعدد جرم یا جرم واحد است؟ در این مورد هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره 34-30/آبان/1360 ترک انفاق زن و فرزند از ناحیه شوهر را که معمولاً یکجا و بدون تفکیک سهم هر یک از آنها پرداخت می‌شود، ترک فعل واحد دانسته است، اما ترک انفاق همسران متعدد از سوی شوهر، از مصادیق تعدد مادی جرایم مشابه است که به استناد ماده 47 قانون مجازات اسلامی، می‌تواند موجب تشدید مجازات شود؛ زیرا در این حالت زوج مرتکب چند ترک فعل جداگانه شده است. او می‌بایست مبادرت به انفاق برای زنان متعدد خود به صورت جداگانه می‌کرد که ترک این کار ترک چند فعل است که هر کدام منجر به تحقق جرم واحدی می‌شود. طبق رأی وحدت رویه فوق‌الذکر، چیزی که سبب خروج ترک انفاق زن و فرزند از حالت تعدد می‌شود، این است که انفاق آنها معمولاً یکجا و بدون تفکیک صورت می‌گیرد. (نجفی، 1372)

در نتیجه درحالی که شخص نفقه زن و فرزندان خود را که مثلاً در دو شهر مختلف زندگی می‌کنند، ترک کند، مشمول عنوان تعدد مادی جرایم از نوع مشابه شده است؛ زیرا در این حالت، فرد دو ترک فعل جداگانه مرتکب شده است. همان‌طور که در صورت پرداخت نفقه می‌بایست مبادرت به دو فعل برای انفاق آنها می‌کرد. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در یکی از نظریه‌های مشورتی خود، ترک انفاق همسران را از مصادیق ترک انفاق جرایم مشابه دانسته است. (شهری و ستوده جهرمی، 1377، ص 685)

## بررسی حقوق زنان در قانون مدنی ترکیه در مقایسه با قانون مدنی ایران

طبق ماده 8 قانون مدنی ترکیه:

«هر شخص از حقوق مدنی استفاده می‌کند. بنابراین هر کس در حدود قانون به لحاظ داشتن اهلیت درحقوق و تکالیف مساوی است.» بنا براین طبق این ماده، بیان شده است که بین هیچ زن و مردی در کشور ترکیه تفکیک قانون وجود ندارد. (برابری زن و مرد)، البته شرط اصلی این قانون اهلیت هست.

## اهلیت چیست؟

اهلیت به معنای این است که فرد آن شایستگی را دارد که از حق و تکلیف برخوردار شود. یعنی یک فرد عاقل، بالغ، مختار می باشد .



افرادی دارای اهلیت نیستند:

مجنون نیستند ( مجنون دائم، مجنون ادواری مانند افراد دو قطبی که قطب غیر قابل کنترلشان فعال شده و...)

صغیر که خود به (صغیر ممیز، صغیر غیر ممیز تقسیم می شود) سن قانونی 18 سال می باشد. اما در قانون ترکیه اگر فرد ازدواج کرده باشد هر چند صغیر اهلیت دارد.

سفیه ( کسیکه نتواند امور مالی خود را اداره کند)

به موجب ماده 956 قانون مدنی:

«اهلیت برای دارا بودن حقوق، با زنده متولد شدن انسان، شروع و با مرگ او، تمام می شود. " منظور از کلمه اهلیت، در این ماده، اهلیت تمتع می باشد. زیرا، فقط در اهلیت تمتع است که تنها شرط دارا شدن آن، زنده متولد شدن است و در اهلیت استیفا، شروط مانند رشد عقلی و رسیدن به سن قانونی الزامی می باشد». (میرامامی، 1401)

### حقوق زنان در ازدواج در کشور ترکیه

سن ازدواج زنان

هر کشوری برای خود سنی را برای ازدواج دختر و پسر مشخص کرده است. طبق ماده 88 قانون مدنی کشور ترکیه: «پسرها تا اتمام 17 سالگی و دختر تا اتمام 15 سالگی نمی توانند ازدواج نمایند» اما در این قانون می توان مشاهده کرد که در کشور ترکیه در خصوص سن ازدواج بین دختر و پسر رابطه ی یکسانی قائل نشده است .

اما در کشور ایران ، طبق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۷۰ بیان شده است که: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح». (میرامامی، 1401)

### اذن نکاح

طبق ماده 90 قانون مدنی ترکیه: «فرزند بدون رضایت پدر و مادر یا وصی نمی تواند ازدواج کند و رضایت هر یک از آن دو یا وصی شان برای انجام نکاح کفایت می کند». اما در حقوق ایران، فرزند دختر بدون اذن پدر یا پدر بزرگ نمی تواند ازدواج نماید و رضایت مادر و دیگران تأثیری در صحت ازدواج ندارد. اما با تغییر قوانین در مجلس، اجازه ازدواج به دختران دوشیزه با شرایطی چون:

داشتن حداقل 28 سال سن

حداقل 5 سال سابقه کار

حداقل تحصیلات کارشناسی ارشد. (میرامامی، 1401)



امکان پذیر می باشد. در صورتی که دختر به نتیجه برسد که مرد مورد نظر می تواند تمام شرایط همسر بودن را دارا باشد اما پدر یا جد پدری او مخالف باشد می تواند به دادگاه رجوع کند و از قاضی درخواست اذن ازدواج بخواهد. اما در حقوق ترکیه رضایت مادر نیز برای تحقق نکاح مؤثر است.

### ازدواج مجدد زن بعد از وفات شوهر

طبق قانون مدنی ایران زن بعد از فوت شوهر در صورتی که باردار نباشد و یا علل های اختصاصی دیگر بعد از 4 ماه عده نگه داشتن بعد از فوت مرد می تواند دوباره اقدام به ازدواج کند. در طلاق هم زن و شوهر پس از طلاق اگر تمایل داشته باشند بدون اذن دادگاه می توانند به یکدیگر رجوع کنند و مدت عده را رعایت نکنند اما در کشور ترکیه بدون اذن دادگاه امکان پذیر نمی باشد. اما در حقوق ترکیه این مدت 300 روز تعیین شده است که در مورد طلاق و بطلان نکاح نیز لازم الرعایه است. اما چنانچه زن وضع حمل نماید، عده مذکور پایان می یابد. ایران هم در قانون حمل همین قانون را دارا است. همچنین در صورتی که زن و شوهری که از یکدیگر جدا شده اند، بخواهند ازدواج مجدد نمایند، حاکم می تواند مدت مذکور را کاهش دهد. (طبق ماده 95 م. ترکیه) (میرامامی، 1401)

### بطلان ازدواج

در کشور ترکیه هر مرد و زنی مجاز به داشتن همزمان تنها یک مرد و یا یک زن هستند و چند همسری در کشور ترکیه معنا ندارد. در صورتی که فرد معلوم شود چند زن را اختیار کرده است عقدش باطل و سند ازدواج وی فاقد ارزش قانونی می گردد. اما در کشور ترکیه برخلاف قوانین نوشته شده موضوع چند همسری مردان رعایت نمی گردد زیرا بدون ثبت ازدواج، صیغه موقتی می خوانند و بدون هیچ مدرکی به ازدواج مجدد می پردازند. آنها برای ثبت ازدواج دائم به شهرداری رفته تا عقدشان رسمی شود (بدون صیغه محرمیت) اما برای ازدواج موقت تنها به امام جماعت مسجدی رجوع می کنند تا صیغه ازدواج را بدون مدرکی انجام دهند. همچنین ازدواج با فردی که اهلیت ندارد باطل شمرده می شود. (میرامامی، 1401)

در صورتی که کشور ایران ازدواج مرد را با 4 زن عقدی، با رضایت زن اول را رسمی شناخته است. همچنین در ایران ازدواج با شخص فاقد اهلیت باطل نمی باشد بلکه قابل فسخ است. (میرامامی، 1401)

طبق بند اول ماده 112 قانون مدنی کشور ترکیه: «چنانچه یکی از طرفین (اعم از زن و مرد) در زمان اجرای مراسم نکاح متأهل باشند، ازدواج مذکور محکوم به بطلان است». همچنین براساس بند 2 ماده 112 قانون مدنی کشور ترکیه: «چنانچه هر یک از طرفین در زمان اجرای عقد نکاح مجنون و یا غیرممیز باشند عقل باطل است». طبق بند 3 ماده 112 قانون مدنی ترکیه: «ازدواج با محارم (نسبی و سببی) (نیز از موارد بطلان نکاح است)». (میرامامی، 1401)

### طلاق زنان در کشور ترکیه

در کشور ترکیه مانند کشور ایران، طلاق بدون دادخواست طرفین امکان پذیر نیست اما در خواست طلاق باید قابل قبول باشد در غیر این صورت در دادگاه مورد بررسی قرار نخواهد گرفت در ادامه این موضوع به چند مورد از موارد محکمه پسند از علل طلاق اشاره می شود:



## ارتکاب زنا محصنه

مهم‌ترین علتی که هم در کشور ترکیه و هم در کشور ایران می‌تواند علل محکمه‌پسند باشد «ارتکاب زنا» است. بنابر این زن یا شوهر پس از آوردن مدارک و شواهد می‌توانند با اثبات کردن این عمل شنیع در خواست طلاق را از تاریخ اطلاع از این عمل توسط زوج یا زوجه قرار گیرد. لازم به ذکر است که اطلاع رسانی حداقل باید کمتر از 5 سال از این عمل باشد زیرا بیشتر از این مدت مورد قبول در دادگاه نیست. البته در صورت عفو زوج یا زوجه، دعوی زنا طبق ماده 129 قانون مدنی کشور ترکیه مسموع نمی‌باشد. (میرامامی، 1401)

اما در کشور ایران حتی اگر زن یا مرد محصنه، نسبت زنا آن معلوم و مشخص شود و زوج یا زوجه او هم این عمل را عفو کنند، قانون:

**مجازات زن مرتکب به زنا محصنه:**

100 ضربه شلاق، سنگسار

**مجازات مرد مرتکب به زنا محصنه:**

100 ضربه شلاق، تبعید از محل سکونت به مدت 1 سال و تراشیدن سر

## قصد جان و رفتار سوء

در صورتی که زوج یا زوجه در کشور ترکیه قصد جان طرف مقابل را کند یا رفتار نا بهنجاری را انجام دهد طرف مقابل می‌تواند سریعاً به دادگاه رجوع کند و تقاضای طلاق نماید. مدت رجوع به دادگاه حداقل 6 ماه از انجام رفتار نامتعارف همسر می‌باشد و حداکثر این شکایت با گذشت 5 سال قابل بررسی از طرف دادگاه می‌باشد. طبق ماده 130 قانون مدنی کشور ترکیه: «در صورت عفو، دعوی مسموع نیست». اما در کشور ایران در صورتی که زوج، همسر خود را مورد اذیت قرار دهد طبق ماده 1130 قانون مدنی: «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق کند و در صورتی که اجبار میسر نباشد، زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود». (میرامامی، 1401)

## ارتکاب جرم ترذیلی یا بی حیثیتی نسبت به طرف مقابل

طبق ماده 131 قانون مدنی کشور ترکیه:

«چنانچه هر یک از شوهر یا زن، مرتکب جرم ترذیلی شود یا موجب بی‌آبرویی و عدم حیثیت طرف مقابل شود، زیان دیده می‌تواند نسبت به تقدیم دادخواست طلاق به دادگاه اقدام نماید». .

## ترک همسر



در کشور ترکیه اگر زوجی حداقل 3 ماه متوالی به دلیل عدم انجام وظایف زناشویی خانه را ترک کند. زوجه می تواند در دادگاه دادخواست طلاق دهد. دادگاه هم به درخواست زوجه، یک ماه به مرد غایب فرصت بازگشت می دهد (این اخطار به صورت چاپ در روزنامه کثیرالانتشار صورت می گیرد) در صورتی که در طی این یک ماه مرد برنگشت زن می تواند از همسر خود طلاق بگیرد. این موضوع در ماده 132 قانون مدنی کشور ترکیه تاکید شده است. اما در کشور ایران اگر در سند ازدواج رسمی، مرد در روز ازدواج خود گزینۀ ترک خانه را امضا زده باشد. زن می تواند طبق قانون زیل طلاق بگیرد. (میرامامی، 1401)

مطابق بند 1 تبصره ماده 1130 قانون مدنی اصلاحی 1381/04/29 مجمع تشخیص مصلحت نظام:

« ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت 6 ماه متوالی یا 9 ماه متناوب در مدت یکسال بدون عذر موجه از موارد عسر و حرج زوجه محسوب می شود و زن می تواند تقاضای طلاق کند.»

### احوال شخصی زن مطلقه

طبق ماده 141 قانون مدنی کشور ترکیه:

«زن مطلقه، بعد از طلاق نیز می تواند احوال شخصی خود را که از ازدواج به دست آورده حفظ کند. اما نام خانوادگی زمان تجرد خود را مجدداً کسب می نماید. اگر زن مطلقه در حفظ نام خانوادگی زمان تأهل منفعتی دارد و ضرری متوجه شوهر نمی شود قاضی می تواند به تقاضای او، نسبت به حفظ نام خانوادگی زمان تأهل (نام خانوادگی شوهر) اذن بدهد. مرد در صورت تغییر شرایط می تواند از حاکم تقاضای رفع اذن فوق را نماید.»

در این موضوع کشور ایران همچنین موردی را ندارد بنابراین قانونی هم در این موضوع وجود ندارد.

### درخواست نفقه بعد از وقوع طلاق

قانون جالبی که در کشور ترکیه وجود دارد این است که زوجین هر دو می توانند از یکدیگر نفقه دریافت کنند و گرفتن نفقه پس از جدایی اعمال می شود نه در دوران ازدواج. (محمدزاده، 1400)

طبق ماده 144 قانون مدنی کشور ترکیه:

«چنانچه هر یک از زن یا مرد به سبب وقوع طلاق متحمل فقر و تنگدستی شود و در وقوع آن قصور سنگینی نداشته باشد، می تواند از همسر به قدر وسع او به طور دائم درخواست نفقه نماید. اما مرد در صورتی می تواند از همسر تقاضای نفقه نماید، که او مرفه باشد.»

طبق ماده 116 قانون مدنی ایران:

«پرداخت نفقه (در طول دوران زناشویی) فقط به زوجه تعلق می گیرد و مشمول حال زوج نمی شود.»

### حقوق و تکالیف زوجین

هر یک از زن و شوهر در زمان تاهل حقوق و در مقابل تکالیفی در برابر یکدیگر دارا هستند که در این مقاله به آن اشاره خواهیم کرد:

ریاست خانواده در کشور ترکیه

طبق ماده 152 قانون مدنی کشور ترکیه:

«ریاست خانواده با مرد است . انتخاب منزل و اعاشه فرزندان به شکل مناسب به او مربوط است.»

همچنین در حقوق ایران نیز طبق مواد 1105، 1114:

ماده 1105:

«در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است.» (محمدزاده، 1400)

ماده 1114:

«زن باید در منزلی که شوهر تعیین میکند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد.»

**تغییر نام خانوادگی همسر در کشور ترکیه**

همان طور که در قسمت طلاق این مقاله به موضوع اشاره شد طبق ماده 153 قانون مدنی ترکیه:

« زن ، نام خانوادگی شوهرش را بر خود می گیرد. زن برای تأمین سعادت مشترک ، در حد مقدور، معاون و مشاور شوهرش است . رسیدگی به منزل به عهده زن است.» (محمدزاده، 1400)

**نمایندگی خانواده در کشور ترکیه**

طبق ماده 154 قانون مدنی کشور ترکیه:

«نمایندگی خانواده با شوهر است . درخصوص اداره اموال ، هر چند زن و شوهر اصول دیگری را پذیرفته باشند، اما در تصرفاتشان شوهر شخصاً مسؤول است»

همچنین زوجه به موجب ماده 155 قانون مدنی کشور ترکیه:

«برای رفع نیازهای خانواده همانند شوهر دارای حق نمایندگی خانواده است.»

طبق ماده 156 قانون مدنی ترکیه: «چنانچه زن در اجرای این امر کوتاهی نماید یا به شکل سوء به کار گیرد، شوهر می تواند این صلاحیت را به طور کامل یا جزاً از وی سلب نماید. سلب صلاحیت باید از طریق دفتر اسناد رسمی صورت بگیرد والا در مورد اشخاص ثالث ارزشی نخواهد داشت.» (محمدزاده، 1400)

طبق ماده 157 قانون مدنی ترکیه:

«اگر زن به این سلب صلاحیت اعتراض نماید و دادگاه به بی سبب بودن سلب صلاحیت واقف گردد، می تواند نسبت به اعاده آن اقدام نماید».

طبق ماده 158 قانون مدنی کشور ترکیه:

«چنانچه مرد صراحتاً یا ضمناً اذن نداده باشد، زن نمی تواند از صلاحیتی که قانوناً کسب کرده ، تجاوز نماید».

### اشتغال زنان در کشور ترکیه

ماده 159 قانون مدنی کشور ترکیه که در مورد شغل زن بود، به موجب تصمیم مورخ 1990/11/29 دادگاه قانون اساسی ابطال شد. بنابراین در کشور ترکیه هیچ محدودیت و ممنوعیتی در رابطه زناشویی برای اشتغال زنان وجود ندارد.

اما در کشور ایران طبق ماده 1117 قانون مدنی:

«شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافعی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند». (محمدزاده، 1400)

### صلاحیت دعوی در کشور ترکیه

طبق ماده 160 قانون مدنی ترکیه:

«زن دارای صلاحیت دعوی است ، هر چند که زوجین در اداره اموال خود روش دیگری را در پیش گرفته باشند. در دعاوی اشخاص ثالث نسبت به اموال شخصی ، شوهر مکلف به نمایندگی از سوی همسر است»

### حفظ وحدت خانواده

طبق ماده 161 قانون مدنی کشور ترکیه:

«چنانچه هر یک از زوجین در انجام وظایف خانوادگی کوتاهی نماید یا دیگری را با خطر، خجالت و یا ضرر مواجه سازد، طرف زیان دیده می تواند مداخله حاکم را درخواست نماید. حاکم نیز، برای عمل به وظیفه طرف مقصر، به او اخطار می دهد. چنانچه اخطار مذکور نتیجه ای نداشته باشد، حاکم تدابیر مقرر در قانون را اتخاذ می نماید». (محمدزاده، 1400)

برای رسیدگی به این گونه دعاوی محاکم صلح صلاحیت دارند.

### تعطیل حیات مشترک

طبق ماده 162 قانون مدنی کشور ترکیه:





«چنانچه هر یک از زوجین به خاطر زندگی مشترک به لحاظ صحت ، شهرت و پیشرفت شغلی با خطر جدی مواجه شود، می تواند مسکن جداگانه ای را اختیار کند. زن و شوهر، در زمان اقامه دعوی طلاق یا جدایی ، حق دارند که به طور جداگانه زندگی نمایند. چنانچه هر یک از زوجین دارای حق سکونت جداگانه باشد، حاکم در مورد میزان مشارکت آنکه باید هزینه زندگی دیگری را تأمین نماید، تصمیم می گیرد». اما در ایران روند این قضیه کاملاً متفاوت می باشد که در این مقاله نمی گنجد. زیرا دارای شرایط و موارد متعددی می باشد. (محمدزاده، 1400)

### کوتاهی شوهر در انجام وظایف خانوادگی

چون مرد ریاست اول خانواده را در کشور ترکیه دارا است در صورتی که به وظایف خود نپردازد، حاکم دادگاه به زن وظیفه ی ریاست را اهدا می کند. در ایران هم ریاست خانواده به دست مرد می باشد. در صورتی که مرد عهده دار این موضوع نشود و به وظایفش رسیدگی نکند زن در خصوص حضانت فرزندان، تأمین زندگی فرزندان مسئول می شود.

به موجب ماده 163 قانون مدنی کشور ترکیه:

«چنانچه شوهر در انجام وظایف خانوادگی اهمال نماید، شیوه زوجین در خصوص اداره اموال به هر ترتیب که باشد، حاکم زن را به تأدیه تمام یا بخشی از دیون مشترک موظف می سازد». (محمدزاده، 1400)

### اجرای جبری در کشور ترکیه

طبق ماده 165 قانون مدنی ترکیه:

«زن و مرد در دوران زندگی زناشویی وظایف مشترکی نسبت به یکدیگر دارند. اما این وظایف مشترک صرفاً در امور خانوادگی است و شامل همه امور انسانی نمی شود. بنابراین چنانچه \"/>

طبق ماده 166 قانون مدنی ترکیه:

«در صورتی که شخص ثالثی علیه هر یک از زوجین اجرای حکمی را تعقیب نماید، آن دیگری می تواند از مال خودش در حجز و یا افلاس همسرش مشارکت داشته باشد». (محمدزاده، 1400)

### بحث و نتیجه گیری

در کشور ترکیه امکان جدایی اموال زن از شوهر وجود دارد که در قانون 186 قانون مدنی کشور ترکیه هم ذکر گردیده است:



«چنانچه زن اداره اموال خود را به شوهرش واگذار نماید، در این صورت فرض بر این می شود که زن در طول دوران زناشویی از حساب خواهی از شوهرش صرف نظر کرده و کلیه درآمدها و هزینه های اموالش را به شوهرش سپرده است. زن هر زمان که بخواهد می تواند از حق اداره اموالش که به شوهرش داده، برگردد و برای باز پس گرفتن حق اداره، اسقاط حق معتبر نیست».

به موجب ماده 189، قانون مدنی کشور ترکیه:

«درآمد و منفعت هر یک از زن و شوهر به خودشان تعلق دارد».

اما در صورتی هم که مشکلی نداشته باشند طبق ماده 190 قانون مدنی کشور ترکیه:

«مرد می تواند مشارکت زنش را در تأمین هزینه خانواده در حد متناسب بخواهد. در صورت اختلاف آنها در میزان اشتراک، هر یک از آنان می تواند تعیین مقدار آن را از محکمه درخواست نماید».

یا ماده 191:

«زن و شوهر می توانند در قرارداد ازدواج اصول اشتراک اموال را بپذیرند».

اما اشتراک اموال زن و شوهر زمانی به پایان می رسد که:

تقسیم قانونی (در صورت فوت هر یک از زن و مرد) (ماده 221 م.)

این مطالعه تطبیقی نشان می دهد که در حالی که حقوق ایران و ترکیه هر دو از نفقه به عنوان ابزاری برای حمایت از زنان استفاده می کنند، تفاوت های قابل توجهی در تعریف، شرایط و اجرای آن وجود دارد. در حقوق ایران، نفقه بیشتر بر پایه اصول فقهی و شرعی استوار است، در حالی که در ترکیه، تأثیرات حقوق مدرن و سکولار بیشتر دیده می شود. این تفاوت ها منعکس کننده تاریخ، فرهنگ و ساختارهای اجتماعی متفاوت در هر کشور است.

با این حال، هر دو کشور با چالش های مشابهی در اجرای قوانین نفقه روبرو هستند، از جمله تعیین میزان نفقه و تضمین پرداخت آن. مطالعه نشان داد که اصلاحات قانونی و اجتماعی می تواند به بهبود وضعیت نفقه و تقویت حمایت از حقوق زنان کمک کند. در نهایت، این مطالعه تطبیقی تأکید می کند بر اینکه توجه به تجربیات بین المللی و انطباق با استانداردهای جهانی می تواند به پیشرفت حقوقی و اجتماعی در هر دو کشور منجر شود و به ایجاد یک سیستم حمایتی مؤثرتر برای زنان کمک کند. این مطالعه پیشنهاد می کند که تحقیقات بیشتری برای درک عمیق تر از تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر قوانین نفقه و نحوه اجرای آن در هر کشور انجام شود.

## منابع

میرامامی، فاطمه سادات، بررسی حقوق زنان در قانون مدنی ترکیه در مقایسه با قانون مدنی ایران، 1401  
شکری سلزان آبادی، سولماز، بررسی تطبیقی آثار طلاق در حقوق ایران و ترکیه، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه تبریز - دانشکده حقوق، 1393

- اکرمی سراب، روح الله، مطالعه تطبیقی جرم ترک نفقه در حقوق جزای جمهوری اسلامی ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق مصر و استرالیا، دانشگاه قم، 1388
- کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، ص ۱۵۰-۱۴۰، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۹، چاپ اول.
- میرزایی، زهرا، وثوقی، بهرام، بررسی تطبیقی نفقه زوجه در حقوق ایران و ترکیه، اولین کنفرانس حقوق و امور قضایی، 1394
- جلالی، سیدمهدی، مطالعه تطبیقی حق طلاق به علت عدم انفاق در حقوق ایران، فقه عامه، و حقوق مصر و سوریه، مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان (مطالعات زنان)، 1388
- محقق حلی، شرایع الاسلام، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ دوم، 1373
- شهید ثانی، شرح اللمعه، مرکز النشر مکتب اعلام الاسلامی، 1365
- موسوی خمینی، آیت الله روح الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا
- زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، (تعزیرات)، تهران، نشر فیض، 1377
- علامه حلی، قواعد الاحکام، سلسله ینابیع الفقهیه، بیروت، الدارالاسلامیه، 1410 هـ ق
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، جلد سی و یکم، مکتبه الاسلامیه، 1372
- شهری، غلامرضا و ستوده چهرمی، سروش، نظریات مشروتی اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، تهران، انتشارات روزنامه رسمی کشور، 1377

## A comparative study of alimony in the laws of Iran and Türkiye

Ali Nosrati Beigzadeh

Master's student in private law, Azad University, Ilkhchi  
branch

### Abstract

This article deals with the comparative study of alimony in the laws of Iran and Turkey and examines the differences and similarities in the definition and implementation of alimony in both countries. In Iranian law, alimony is determined based on jurisprudence and Shariah principles, while in Turkey, the effects of modern and secular laws on alimony are evident. Despite these differences, both countries seek to provide legal protection for women through alimony. The article also deals with the implementation challenges of alimony and its impact on the social and economic status of women and offers suggestions for legal reforms that can lead to the strengthening of legal protections for women and legal and social progress in both countries. This comparative study emphasizes that paying attention to international experiences and adapting to global standards can help create a more effective support system for women.

**Keywords:** Comparative study, Iran and Türkiye, alimony, civil rights